

نقش عوامل محیطی بر زندگی مردم تالش

مجتبی تعطف طولی

بخش اول: مراحل شکل گیری زندگی اجتماعی در تالش

شکل گیری زندگی اجتماعی در تالش ممکن است پس از مهاجرت آریایی ها و یا پیشتر از آن در این نقطه شکل گرفته باشد. از آنجائیکه نظرات متناقضی مبنی بر آریایی بودن یا نبودن این نژاد وجود دارد بنابراین مباحثه در این مورد علاوه بر اینکه به روشنی موضوع کمک نکرده بلکه بر پیچیدگی آن نیز خواهد افزود. تالشان آنچنانکه پیداست ابتدا در مناطق کوهستانی که اصطلاحاً در زبان تالشی «گیه» نامیده می شود ساکن شدند و شکل زندگی اجتماعی آنان با شکل گیری روستاهای کوهستانی آغاز گردید. این روند ادامه یافت تا اینکه سرزمینی به نام کادوسیّه خوانده شد.

سرزمین مورد سکونت آنها سرزمینی بود با جنگلهای انبوه و عدم تراکم جمعیت در این ناحیه اجازه ی بسط فعالیت های بسیاری را به تالشان می داد.

پیکره ی کوهستانی تالش به عنوان یک سیستم فعال شکل زایی و با آثاری غنی از سیستم های غیر فعال شکل زایی نه تنها مورد توجه دانشمندان علوم است، بلکه برای مردم عادی با انتظارات و دیدگاههایشان جذاب بوده و هست. بقایای دولمن های انسان غار نشین، بیلاقات متعدد عشایر منطقه، پست های دیده بانی و امنیتی، کلبه های کوهستانی شهر نشینان مرفه، بهره برداری اقتصادی منابع کوهستان و امروزه جاذبه های گردشگری آن، سیر توجه به آن پیکره را از گذشته تا به حال نشان می دهد. (پوران طاحونی، ۱۳۸۰).

روند زندگی اجتماعی در تالش از مراحل شکل گیری تا حال دارای چندین جنبه است. از آن زمانیکه تالشان زندگی در کوهستان را آغاز کردند در واقع نخستین دوره زندگی آنها در کوهستان بود. این موجب شد تا آنان با نوع سکونت فصلی آشنا شوند. آنها بدین ترتیب برای خود چندین محل در مناطق پایین دست و بالا دست کوهستان داشتند. این مناطق که بالا بند و میان بند و پایین بند محسوب می شوند مراحل و فصولی از سال را مامنی برای تالشان بودند.

بند اصطلاحی است که تالشان به قسمت های مختلف کوهستان داده اند و به یک معنی می توان بند را مترادف مقدار یا قسمت دانست. پایین بند به قسمتهایی از کوهستان اطلاق می گردد که در پایین ترین سطح ارتفاع قرار دارند. در اصطلاح محلی به پایین بند «آجور» یا «آجیر» گفته می شود. (چنگیز شکوری، ۱۳۸۲). پایین بند، محل سکونت تالشان در فصول نسبتاً خنک و معتدل سال بود. به دلیل اینکه در ارتفاعات بالا سرمای شدید موجب کمبود علوفه و دشواری تهیه مواد برای تغذیه دامها می شود. اغلب تالشان که غالب اکثرشان دامدار بودند به پایین بندها آمده و از دام خود نگهداری می کردند.

تالشان معمولاً در چندین ناحیه کوهستانی دارای مرتع بودند و عدم تراکم جمعیت در این ناحیه موجب وسعت و فراوانی مواد و محیط های طبیعی برای آنان شده بود.

دومین طبقه کوهستان در تقسیمات ما میان بند «نصفه رُخُن» است که در ارتفاع بین ۱۰۰۰ الی ۱۵۰۰ متر از ارتفاع از سطح دریا قرار دارد. این قسمت از کوهستان دارای پوشش درختی تُنک بوده و درختان راش و ازگیل و آلوچه وحشی اکثریت را تشکیل می دهند. (چنگیز شکوری، ۱۳۸۲).

میان بند نقطه ی ثقل بالا بند و پایین بند است و چونان دشتی است که نقطه ای بس عالی برای سکونت است بنابر این در این نقطه دامداران نسبتاً دارای مساکن بهتری اند.

سومین طبقه و در واقع آخرین و مرتفع ترین طبقه کوهستان «گیریه» یا به معنای خاص آن «بند» می باشد. در میان عشایر منطقه بند هم به معنای تقسیمات جغرافیایی طبیعی کوهستان و هم به معنای اخص بالا بند است. (چنگیز شکوری، ۱۳۸۲).

زندگی کوهستانی تالشان آنان را با شرایط خاصی همچون مساکن خاص و نوع زندگی عشایری آنان آشنا ساخت. این روند موجب شد تا زندگی اجتماعی آنان با دشواری های فراوانی همراه شود و آنان به صورت قبیله ای و جدا از هم زندگی کنند. به این معنی که قبیله های مختلف برای خود بالا بند و پایین بند خاصی داشته و عده ای از اعضای قبیله در این بند ها و با اعضای از سایر قبیله های تالش تعویض شود. این امر در وهله ی نخست موجب تعدد لهجه های زبان تالشی گشت. و در مرحله ی بعد موجب شناخت افراد با اسامی قبیله ای شان؛ چنانکه این مورد امروزه هم در اسامی افراد بعنوان پسوند نمود یافته است.

پس از گذر از مرحله کوهستان، تالشان مرحله ی دیگری را در زندگی آغاز کردند. با گسترش فعالیت های کشاورزی نیاز به زمین های مساعد تر و آب و هوای جلگه ای احساس شد و تالشان از آن پس کوچ خود به سمت جلگه را آغاز کردند. کار کشاورزی از آنجائیکه نیاز به یکجا نشینی دارد بنابر این، این عاملی شد تا تالشان به یکجا نشینی رو آورند؛ از طرفی میل دورنی آنها به راحل طلبی و یکجا نشینی بر این میل افزود.

آنها با شروع به کار کشاورزی، دامداری را به صورت بسیار خرد ادامه دادند. چنانکه هر خانوار برای تامین مواد لبنی خود خانواده اقدام به نگهداری دام می نمود. این مرحله از زندگی تالشان تا امروز نیز به طور نسبی وجود دارد.

پس از به وجود آمدن مناطق مسکونی تالش در جلگه که اغلب در حاشیه رودها به صورت پایکوهی ایجاد شدند شهرهایی در کنار رودها شکل گرفته اند.

با عنایت به اینکه شروع زندگی جلگه نشینی تالشان از عمر چندان بر خوردار نیست به همان ترتیب شهرهای تالش هم از شهرهای جوان محسوب می شوند.

شهر نشینی در جلگه تالش از پیشینه ی چندان بر خوردار نیست، شهر هشتپر تنها ۶ دهه از عمر خود را پشت سر گذاشته و پیشینه ی سیاسی و اداری آن نیز به کمتر از دو قرن می رسد. (شهرام امیر انتخابی، ۱۳۸۲).

شهرهای تالش فاقد نظم و آمایش شهری اند چنانکه این شهرها در طول جاده به شکل کریدور گسترش می یابند و زندگی و اقتصاد شهری در شهرهای تالش راه نیفتاده اند. (مجتبی تعطف طولی، ۱۳۸۶).

مدیریت و برنامه ریزی شهری در شهرهای تالش بدون هیچگونه توجه به مسائل بنیادی صورت می گیرد. توجه به زیر ساخت های فرهنگی و ابعاد اجتماعی در تشکلات شهری شهرهای تالش جایی نیافته اند. تا بدین روز آنچه از این شهرها به عین مشاهده می شود فقط گسترش طولی است که معایب و مشکلات شهری فراوانی بر جای خواهد گذاشت.

بخش دوم: ویژگی های محیطی تالش

موقعیت جغرافیایی

شهرستان تالش با قرار گرفتن در ۴۸ درجه و ۵۴ دقیقه طول جغرافیایی و ۳۷ درجه و ۴۸ دقیقه عرض جغرافیایی یکی از شهرستانهای بزرگ گیلان محسوب می شود. این شهرستان با دارا بودن پوشش گیاهی نسبتا وسیع و باران خیزی مناسب، ناحیه ای مساعد برای فعالیت های دامداری و کشاورزی فراهم آورده است. تمامی منطقه تالش از غرب به دامنه های خزری کوههای تالش تکیه دارد که عارضه طبیعی مشخصی است و مهمترین عامل وحدت بخش منطقه محسوب می گردد. لیکن حدود شرق تالش پیچیده و ناهمسان است بطوریکه تالش جنوبی به جلگه مرکزی گیلان می پیوندد. تالش شمالی به جلگه باریک ساحلی و دریای مازندران ختم می شود. بنابراین بخش جنوبی تالش به هسته متراکم جلگه مرکزی گیلان باز می شود. در حالیکه تالش شمالی همچون دهلیزی بین دریای مازندران و مناطق ترک زبان آذربایجان و قفقاز در شمال فشرده شده است. (شهرام امیر انتخابی، ۱۳۸۱).

وجود رشته کوههای تالش در امتداد این شهرستان که از مرکز استان تا به استان اردبیل امتداد یافته و وجود پوشش گیاهی در این مناطق به همراه آب و هوای کوهستانی و مراتع وسیع، شرایط پرورش دام در این منطقه را تسهیل نموده، چنانکه این امر در گذشته به علت کثرت درصد تالشان کوه نشین گسترده تر از امروز می نمود.

از نظر راه های ارتباطی نیز تالش مسیرگاه مهمی به شما می رود. قرار گرفتن در مسیر ترانزیتی، این امتیاز را به تالش داده تا بتواند از موقعیت های بالقوه نهایت استفاده را برد. لذا این امر تا بدین روز بدون هیچ نوع مدیریتی از نیل به این هدف بدور بوده است. ضمن آنکه شهرستان تالش با قرار گرفتن در طول ساحل دریای خزر بندرگاه مناسبی می تواند جهت صادرات و واردات کالا به کشورهای همسایه و اروپا باشد. البته بندرگاههایی کوچک یا بهتر بگویم اسکله هایی در گذشته در منطقه موجود بوده که با گذشت زمان و عدم حمایت اقتصادی و سیاسی از آن امروزه چیزی از آنها بر جای نمانده است.

منطقه مورد مطالعه عمدتاً مشتمل بر کوههای تالش با قدمتی در حدود ۶۵ میلیون سال است. پی سنگ این کوهها در طی دوران دوم ریخته شدند و لیکن در انتهای این دوران و ابتدای دوران سوم با حرکات زمین ساختی لارامید شکل کنونی خود را بدست آوردند. (پوران طاحونی، ۱۳۸۰).

عمر این کوهها در حدود ۷۰ میلیون سال و البته تکامل و شکل یابی آن شاید در آن زمان کامل نشده باشد. لیکن چنین به نظر می رسد که این شکل گیری در حدود همین اعداد باشد. چنانچه آقای محمد لنکرانی نیز در مورد اقیانوس نئوتتیس چنین نتیجه ای می گیرد.

مقطع مورد مطالعه در مختصات ۴۸ درجه و ۵۳ دقیقه طول شرقی و ۳۷ درجه و ۱۷ دقیقه و ۳۰ ثانیه عرض شمالی در ناحیه گدوک الاه پشته از توابع شهرستان ماسال واقع است. در این مقطع، توده عدسی شکل از سنگهای آهکی فسیل دار به چشم می خورد. سنگواره های یافت شده شامل شکل پا از گونه های *pleseptygmatis* و *trochtaeonsp* و روزنه دار از گونه *loFTUSi* می باشند که واجد سن کرتاسه بالایی (بین ۶۵ تا ۷۱ میلیون سال قبل) بوده و بعد از آن منقرض شده اند. بنابراین با توجه به تعیین سن فسیل ها، می توان نتیجه گرفت که سن این طبقات رسوبی، چیزی در حدود ۷۰ میلیون سال و متعلق به اواخر دوره کرتاسه است. (محمد لنکرانی، ۱۳۸۳).

پوشش گیاهی

تالش به لحاظ دارا بودن ریزش های جوی مناسب و آب و هوای مساعد دارای پوشش گیاهی نسبتاً انبوهی است که این ویژگی مزیت خاص دیگری به این منطقه غنی بخشیده است. وجود جنگلهای انبوه راش و بلوط و شمشاد که به طور وحشی از روزگاری کهن در این منطقه ریشه دوانیده اند موجب تاثیر در آب و هوا و تحولات اجتماعی نیز شده است.

همچنین وجود مراتع وسیع در کوهستان منطقه که عمدتاً از آنها علوفه برداشت می شود نیز دارای اهمیت ویژه ای است.

قسمت های وسیعی از رشته کوههای تالش که هایل شهرستان تالش از استان اردبیل اند دارای پوش گیاهی نسبتاً انبوهی است.

متأسفانه به نسبت آنچه از جنگل های این منطقه برداشت می شود به نهال کاری و درخت کاری چندان توجهی نشده و این روز به روز موجب کاهش پوشش گیاهی و تراکم آن در منطقه می شود.

آب و هوا

تالش در جلگه دارای آب و هوای معتدل خزری است، لذا در کوهستانهای تالش آب و هوای کوهستانی در ارتفاعات روند صعودی دارد. یعنی دمای هوا با افزایش ارتفاع کاهش می یابد. چنانکه در بالا بندها، آب و هوا بسیار سرد است.

میزان بارش بالا در جلگه ها و همچنین در مناطق کوهستانی (بیلاقات) این منطقه را به یکی از پر باران ترین مناطق کشور مبدل ساخته است.

بادهای موسمی و فصلی در این ناحیه به نسبت شدید است. و شدت این بادهای فصلی در پاییز، اواخر زمستان و بهار به حد بالای خود می رسد و این از مقتضیات فصول این منطقه است.

در منطقه تالش جریان هوایی از سوی دشت سیبری با تاثیر فراوان از سطح رطوبی دریای خزر با جهت شمال، جنوب تداوم دارد؛ توده هوای سرد با ابرهای متراکم به کوههای بلند تالش برخورد نموده و باران خود را بر روی جلگه و کوهستان می ریزد. زمستانهای سرد و پر برف از خصیصه های آب و هوایی منطقه تالش می باشند. این بارش ها در بهار و تابستان بصورت رگبار و تگرگ می باشد که گاهی سیلهای تند و سریعی را نیز در پی دارد، این رگبارها خاک های بدون پوشش گیاهی را شسته و خاک حاصلخیز منطقه را با خود می برد. اغلب در پاییز و زمستان بترتیب هوای مه آلود و رطوبت زیاد و با و باد سوزناک را شاهد هستیم. این بارندگیها و برفها منابع عمده تامین آب رودها و سفرهای زیر زمینی و چشمه ها هستند. به این دلیل آب رودها در اثر ذوب شدن برفها در اوایل بهار و یا وجود باد گرم موسمی «گرمیج» بصورت فراوان و سیل جاری و به دریای خزر می ریزند. بر عکس دامنه های شرقی که در حدود بیش از ۱۵۰۰ میلی متر بارندگی دارد، دامنه های غربی خشک و کم باران است. قلیل تالش تا اواخر تیرماه دارای برف و چشمه های آب سرد آن پر آب و منبع اصلی تامین آب رودهای روان این سرزمین و استفاده شبانان و احشام آنان می باشد. (چنگیز شکوری، ۱۳۸۱).

ژئومرفولوژی

ژئومرفولوژی علم بررسی چهره زمین و عوامل تغییر و دگرگونی آن است، بنابراین مطالعه در عوامل سطحی زمین وظیفه این علم محسوب می شود.

تالش با قرار گرفتن در میان کوه و دریا دارای ویژگیها و قابلیت های منحصر به فردی است که در طول تاریخ از نظر ژئومرفولوژی تغییرات و تحولات بسیاری را پشت سر گذاشته است. این تغییر و تحولات موجب کوهزایی و پستی و بلندی و شکل گیری امروزی این سرزمین شده است و البته عوامل طبیعی بسیاری در این امر دخیل بوده است.

شیب زیاد دامنه ها به دلیل فاصله اندک خط الراس ارتفاعات با حداکثر ارتفاع ۳۲۹۰ تا ارتفاع ۲۸- متری دریاچه خزر نقش تغییرات ارتفاعی را در چشم انداز کنونی تالش بارز می کند. کوهستانی بودن منطقه، شیب تند دامنه ها، گسل های فعال، میانگین بالای بارندگی، نوسان دمایی در ارتفاعات، پوشش غنی گیاهی، رودخانه های پر

آب از ویژگیهای طبیعی منطقه هستند که هر یک به عنوان عناصر مورفوژنز کوهستان تالش به شمار می آیند. آنچه از دیدگاه ژئومورفولوژی حائز اهمیت است، این که شکل کنونی منطقه حاصل فشار لبه غربی کف دریای خزر است، بطوریکه محور اصلی تغییر شکل گسل ها، تاقدیس ها و ناودیس ها بیشتر شمالی - جنوبی است. توده بازالتی کف دریای خزر علاوه بر اهمیت خاصی که در شکل گیری ناهمواریهای اولیه داشته، بطور مکرر و مداوم در تغییر شکل ناهمواریها نیز موثر بوده است. بلافاصله پس از آخرین حرکات کوهزایی که منجر به تشکیل و تثبیت نسبی ارتفاعات تالش و ناهمواریهای منطقه شد، دینامیک بیرونی ناشی از عناصر اقلیمی، دستکاری آنها را آغاز کرد. نتایج عملکرد دینامیک بیرونی در ارتفاعات تالش دو سیستم شکل زایی متفاوت ارائه می دهد سیستم شکل زایی فعال، مجموع فرآیندهایی را شامل می شود که در حال حاضر مشغول تغییر چهره چشم اندازها می باشد و سیستم شکل زایی غیر فعال شامل میراث های ژئومورفولوژی است که در شرایط اقلیم کنونی امکان تشکیل آنها فراهم نمی باشد. (پوران طاحونی، ۱۳۸۰).

پس از تثبیت ژئومورفولوژی ساختمانی منطقه و ایجاد عوارض کنونی در ابتدای کواترنر پدیده غالب در منطقه به غیر از تغییر سطح اساس دریای خزر در دوره های یخچالی و بین یخچالی به احتمال زیاد هوازدگی شیمیایی یا شدت بسیار بالا بوده است. زیرا با در نظر گرفتن اقلیم کنونی که در آن بارندگی بین ۳۰۰ تا ۱۷۰۰ میلی متر و بالاترین دمای متوسط ماهانه ۲۵/۶ و پایین ترن ۵/۲ درجه و ۵ تا ۱۰ روز یخبندان در سال شرایط خوبی برای هوازدگی شیمیایی فراهم می آید. در به وجود آمدن شرایط اقلیمی این منطقه، بیشتر از عرض جغرافیایی عامل ارتفاع نقش مستقیمی دارد و سه چهره مشخص مورفولوژی از ساحل به کوهستان به وجود آورده که شامل جلگه ساحلی، قلمرو جنگلی و گسترده مراتع، مناطق مرتفع و کوهستانی می باشد. سیستم فرسایشی کنونی در منطقه هوازدگی از نوع شیمیایی متوسط همراه با عملکرد ضعیف یخ می باشد که در چنین سیستمی مورفوژنز رودخانه ای شدید، حرکت توده ای متوسط و مورفوژنز بادی بسیار ضعیف می باشد. (حسن صدوق و الهام اصغری، ۱۳۸۳).

بخش سوم: نقش عوامل محیطی بر زندگی مردم

پیشینه

مردم تالش به لحاظ واقع شدن در شرایط جغرافیایی مناسب از لحاظ آب و هوا، نوع خاک، پوشش گیاهی، آب های جاری و زیر زمینی کافی و... موقعیت مناسبی برای فعالیت های کشاورزی و دامپروری دارند. از این رو اغلب افراد این نوع مشاغل را برای کار انتخاب می کنند.

در گذشته تا حدود سه دهه پیش اکثریت تالشان دامپروری شان بر کشاورزی شان فائق بود، لذا از همین اواخر این منوال با سرعت بسیار بالایی تقلیل یافت. یعنی اکثریت مردم به دلیل اهمیت یافتن جلگه و آشنایی با ماهیگیری و استفاده از دریا از منظر اقتصادی به این سمت گرایش یافتند و بدین ترتیب با توجه به محیط طبیعی جلگه شغل شان را به کشاورزی تغییر دادند. البته لازم به ذکر است که آنها دامداری را به طور کامل ترک نگفتند و در کنار کار کشاورزی برای تامین مواد لبنی شخصی و گاه برای فروش لبنیات اقدام به نگهداری دام می کنند.

با پیدایی کشاورزی کارهای روزمزد هم رو به افزایش می گزارد.

صنایعی مانند چموش دوزی، حصیر بافی، جاجیم و گلیم بافی، بافت جوراب های پشمی و نمد ها هم اگر چه پیشتر به طور گسترده تری وجود داشت باز هم ادامه می یابد که غالباً توسط زنان تالش در اوقات فراغت شان انجام می گرفت و کمک فراوان به اقتصاد خانواده و توسعه داخلی منطقه بود تا جایی که تا زمانهای نسبتاً نزدیک تالشان نیاز چندانی به واردات کالا از سایر شهرها و مناطق نداشتند و از منظری دیگر مواد لبنی و غذایی تالشان هم توسط خودشان تهیه می شد.

واقع شدن تالش در موازات با دریای خزر مزیت دیگری به این ناحیه بخشیده است و آن استفاده از منابع دریایی این منطقه است.

وجود بسترهای مناسب ماهیگیری در سواحل این منطقه باعث شده تعدادی از تالشان هم به کار ماهیگیری بپردازند که این امر هم با افراط می تواند پسخواراند سیستم را به سمت مثبت بیشتری سوق دهد. از اینرو مدیریت صید در این منطقه و مناطق ساحلی بشدت حائز اهمیت است.

در هر صورت امروزه کشاورزی مهمترین پیشه مردم ساکن این منطقه به حساب می آید و آب و هوای مناسب بر شدت آن افزوده است.

ساختار بدنی

آب و هوا، محیط طبیعی، فشار هوا، نور خورشید، و به طور کل شرایط جغرافیایی، فرهنگی و اجتماعی-اقتصادی منطقه و بسیاری دیگر بر شکل و ظاهر و ساختار بدنی افراد ساکن در یک نقطه اثر می گذارند. برای مثال افراد ساکن در ارتفاعات به دلیل مواجهه همیشگی با فشار هوای زیاد دارای گلوو حنجره ای نسبتاً قوی، باصدایی به نسبت خشن هستند و توانایی و بسآمد بالا نسبت به افراد ساکن در مناطق پست دارند.

بر اساس مطالعات انجام شده، جمجمه افراد ساکن در ارتفاعات گردتر و نسبتاً به صورت افقی کشیده است. استخوانهای صورتهای درشت و رنگ و رویی سرخ رنگ دارند. افراد ساکن در جلگه دارای صداهایی نسبتاً پایین اند و جمجمه ای کشیده به عمود با تیره پشت سری نسبتاً صاف دارند. استخوانهای صورت باریک و کشیده و دارای رنگ و رویی روشن تر اند.

محصولات

محصولاتی که از این مناطق صادر می شوند و یا مورد استفاده ساکنین قرار می گیرند از سه مرکز کشاورزی، دامپروری و دریا می باشند. محصولات کشاورزی مردم تالش با غالبیت برنج اکثرا به شهرهای دیگر صادر می شوند و در واقع علاوه بر تولید داخلی، مازاد آن که ماحصل تلاش برای کسب در آمد اقتصادی می باشد به فروش رسیده و تاجران آنها را خریده و به مناطق دیگر صادر می کنند. کشاورزی در تالش عموما بر اساس برنج صورت می پذیرد یعنی اکثرا کشاورزان این منطقه حتی اکثر ساکنین را شالیکاران تشکیل می دهند.

توتون از دیگر محصولات کشاورزی این منطقه است که معمولا توسط توتونکاران در مزارع یک و دوهکتاری مورد کشت قرار می گیرد و برداشت آن به اداره دخانیات تحویل داده می شود. توتونکاری در حدود ۱۱/۱۲ سال پیش به شدت در تالش رونق گرفت اما بتدریج از رونق آن کاسته شد و شاید دلیل آن را بتوان در نداشتن صرفه اقتصادی مناسب و سختی مراحل تولید آن جست. البته این رونق زمانی هم پیشتر هادر حدود دو سه دهه پیش در این منطقه رخ داده بود.

تربچه و ترب و برخی نباتات مانند لوبیا و باقلا هم از دیگر محصولات هستند که در این منطقه کاشت می شوند.

وجود آب و هوای مساعد، وجود چهار فصل، ریزش های جوی کافی و خاک حاصلخیز و تنوع آب و هوایی به تالش اجازه پرورش و تولید همه محصول کشاورزی را داده است و کم و بیش اکثر محصولات کشاورزی در این نقطه تولید می شوند، اما تاچه اندازه بتوان درباره آن نوشت نیاز به مجالی بلند دارد.

امروزه در این منطقه رغبت اکثر افراد و کشاورزان به سمت میوه ی کیوی (Kiwi) معطوف شده است. کیوی به دلیل مدرنیزه و سهولت کاشت و به دلیل مقبولیت کافی در خرید و فروش و همچنین باروری زود کشاورزان را به سمت خود می کشاند و هر روز به تعداد کشاورزانی که کاربری زمین زراعی خود را به سمت کیوی تغییر می دهند افزوده می شود.

کیوی به دلیل قیمت و بازدهی مناسب توجه بسیاری را به خود جلب کرده و شاید تا یکی دو سال دیگر نتوان کشاورزی را یافت که این محصول را کشت نکرده باشد. حتی بسیاری از افراد ساکن در سایر استان ها نظیر اردبیل، تهران، مازندران و... به تالش آمده و زمینی خریده و باغهای کیوی ایجاد نموده اند. این رون همچنان رو به افزایش است. این می تواند برای صنعت کشاورزی تالش نوید خوبی باشد اما از آنجائیکه زیر کشت رفتن مزارع برنج توسط کیوی کاران از میزان کاشت برنج که محصولی استراتژیک است می کاهد، این امر می تواند از

جنبه های دیگر برای منطقه و کشور معایبی داشته باشد چرا که «هزینه های فرصت از دست رفته» در این زمینه به آسانی قابل بازگشت نبوده و به وابستگی ملی به سایر کشورها می انجامد.

موسیقی، زبان، فرهنگ

موسیقی تالشان موسیقی غم و تنهایی است، غم و اندوه و آهی که در بطن موسیقی تالش نهفته است هم می تواند تحت تاثیر محیط طبیعی بوده باشد، چراکه ریشه این موسیقی از موسیقی دامداران و چوپانان گرفته شده.

چوپانان به دلیل اینکه در تنهایی گله را به دشت های بزرگ برای چرا می برده اند و در تنهایی خود می نشسته اند می توانستند راحت تر فکر کنند. آرامش کوهستان به آنها چنین اجازه ای می داد که بتوانند فکر کنند. بعدها آنها با «نی» آشنا شدند و چون در تنهایی خود افکار روحانی و غم و عشق را به خاطر می آوردند موسیقی آنها، نوای غم بر تن گرفت. از آن گذشته نی غم می نوازد و تنهایی را بر خاطر جاری می سازد. موسیقی تالشان از آلاتی نظیر نی، دف، تمبور تالشی، دایره و... استفاده می کند. عروسبهای تالشان با صدای دایره و دف و نی و تمبور و... مزین بوده و شادی و غم هر دو در موسیقی تالش جایگاه خاص خود را داشته و دارد.

ترانه های فولکلور چون، ترانه های کار که معمولا تالشان در هنگام کار می خوانند نیز در جای خود بسیار جالب اند. این ترانه ها نوعی انرژی مثبت برای کارگران به حساب می آیند. تالشان برای حیوانات خود هم ترانه و شعر می سازند و حتی برای شان نام گذاشته و آنها را با آهنگی خاص به نام می خوانند.

زبان تالشی هم که یکی از زبانهای باستانی ایران است با بن اقوام ریشه دوانیده است و زندگی قبیله ای تالشان در قدیم موجب تعدد لهجه در این زبان شده است.

نزدیکی منطقه تالش به نقطه ظهور زرتشت، پیامبر ایران باستان و شباهت فراوان زبان تالشی با اوستایی نشان می دهد که این زبانها هر دو از یک ریشه و خانواده بوده اند.

فرهنگ نیز مجموعه ای از عواملی است که در بین افراد یک جامعه رد و بدل می شود و این شامل داستانها، روایات، حکایات، طرز برخورد و احوالپرسی و همه آن چیزی است که بین انسانها برای برقراری ارتباط اتفاق می افتد.

فرهنگ تالش به دلیل واقع شدن در شرایط جغرافیایی جلگه و کوهستان دارای بافت های همبسته ای است که وجود شرایط جغرافیایی کوهستان امکان تحصیل برای افراد را در گذشته سخت می کرد. اما امروزه که اکثر این کوهستان نشین ها در شهر ویا حومه دارای مسکن اند دیگر مشکلی برای این قصبه ندارند.

داستانهای فولکلوریک تالشی هم سرشار از پندها، عبرتها، شادیهها، هجوها و هزل هایی است که مقتضیات زمانی و مکانی به وجود آورده است.

بازیهای تالشان هم برای خود تفاسیری دارند مثلاً برخی از این بازیها با استفاده از لباسها و وسایل شخصی انجام می شود مانند «قیش مزو» که بوسیله قیش یا کمر بند انجام می شود و ورزش هایی نظیر اسب دوانی که به دلیل وجود شرایط خوب و دشت های مناسب بالاخص در کوهستانهای تالش این بازیها شکل گرفته اند.

حمل و نقل

حمل و نقل در تالش هرچند از گذشته های دور تا به امروز تغییراتی یافته ولی این تغییرات چنانکه باید نبوده است.

در گذشته حمل و نقل بالاخص از کوهستان به جلگه با چارپایان و پای پیاده صورت می گرفت حتی تا سه دهه پیش اگر کسی ماشین داشت انگشت شمار بود.

کشاورزان هم محصولاتشان را با چارپایان جا به جا می کردند. با احداث جاده بین المللی که از مسیر تالش هم می گذرد مسیر حمل و نقل در تالش دگرگون گردید. پیش از آن راه های عبوری تالش از مسیرهای کوهستانی می گذشت اما با احداث جاده کشش جمعیت به سمت جلگه شدت گرفت.

تالشان در گذشته برای حمل و نقل در مسیرهای کوهستانی خود و احشام خود را از راه های کوهستانی می بردند. امروزه هم تعدادی از دامداران دامهای خود را از مسیر میان بر می برند چراکه از نظر هزینه مقرون به صرفه تر است.

جاده های کوهستانی تالش به دلیل نبود امکانات و عدم توجه کافی تا بدین روز به شکل مطلوبی آسفالت یا بهسازی نشده اند. حمل و نقل دریایی آنچنانکه باید در تالش رونق ندارد. اگرچه تالش به لحاظ واقع شدن در کنار دریای خزر موقعیت مناسبی جهت احداث اسکله دارد اما این وضعیت بدون هیچ توجهی در این منطقه راکد مانده است.

مساکن

جغرافیای سکونت با توجه به معیارهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی نوع مساکن موجود در هر محل را بررسی کرده و روابط دخیل در چگونگی آن را می یابد. توجه به مصالح اولیه، مواد بکار رفته، شکل ساختمان و نوع ساخت به کند و کاو در باره آن می پردازد.

مساکن موجود در تالش از آغاز تا بدین روز تغییرات بسیاری یافته اند. مساکن اولیه تالش عبارت بودند از «اووله»، «پوری/پارو»، «تخته پوری» و خانه های لته پوش جلگه و کوهستان که با هم متفاوت بودند.

اوهله از چوب درختان جنگلی ساخته می شد و مواد بکار رفته در آن از چوب درختان جنگلی بود و فقط ساکنانش را از خیس شدن مصون می داشت و فاقد هرگونه امکانات دیگری بود.

پوری یا پارو که با استفاده از چوب های درختان جنگلی تهیه می شود نیز به شکل گرد و نیمه استوانه ساخته می شود و در این گونه مسکن سر مسکن را با تخته، نایلون، نمد و هرچیز دیگری می پوشانند تا از خیسی مسکن و داخل آن جلوگیری شود.

خانه های تالشان در کوهستان و جلگه با هم تفاوت دارد.

در کوهستان خانه ی تالشان معمولا دارای یک یا دو اتاق است و از گل و کلش ساخته می شود و سر آن را با لته می پوشانند و در جلگه خانه تالشان معمولا بزرگ و دو طبقه است که از چوب و گل و کلش ساخته می شود چوب و خشت محصول اصلی اینگونه منازل اند.

وجود چوب و گل در این منطقه و اعتدال هوا در ناحیه می تواند یکی از دلایل عمده در ساخت این گونه مسکن باشد و به دلیل اینکه ارتباط تالشان با سایر نقاط کم بوده این مسکن تا دو سه دهه پیش در تالش رواج داشت اما امروز با گسترش ارتباطات این مسکن به مسکنی از جنس آجر و بلوک و سایر مصالح بکار رفته در سایر مسکن تغییر کرده اند.

منابع و مآخذ

۱. طاحونی، دکتر پوران، تحولات ژئومورفولوژیکی ارتفاعات تالش، فصلنامه تحقیقات تالش، شماره ۲، زمستان ۱۳۸۰.
۲. شکوری، چنگیز ۱۳۸۲، سیری در کوچ نشینان تالش، انتشارات آذر خزر، ص ۱۲.
۳. امیر انتخابی، شهرام، شکل گیری و توسعه شهر هشتر، فصلنامه تحقیقات تالش، شماره ۷ و ۸، بهار و تابستان ۱۳۸۲.
۴. تعطف طولی، مجتبی، نگاهی به طبقات اجتماعی تالش، ماهنامه تالش، شماره ۲۸، فروردین ۱۳۸۶.
۵. امیر انتخابی، شهرام، نقش ساختار جغرافیایی در دگرگونی هویت منطقه ای تالش، فصلنامه تحقیقات تالش، شماره ۳، بهار ۱۳۸۱.
۶. لنکرانی، محمد، بقایای اقیانوس نئوتتیس در ماسال، ماهنامه بهار تالش، شماره ۳، مهر-آبان-آذر ۱۳۸۳.
۷. صدوق، دکتر حسن و الهام اصغری، بررسی ژئومورفولوژیکی رودخانه خواجه کریم چای (آستارا) با تاکید بر حرکات دامنه ای، فصلنامه تحقیقات تالش، شماره ۱۲ و ۱۳، تابستان و پاییز ۱۳۸۳.

منبع: ماهنامه تالش- شماره ی ۳۴- اسفند ۸۶، فروردین ۸۷

برگرفته از: www.talesh.blogfa.com